

«رفیق‌کشی» با بنزین & #۴۷؛ پولش را خواست، ناراحت شدم!

متهم گفت: احمد با من تماس گرفت و پولش را خواست. من از برخورد او ناراحت شدم و گفتم ۲ ماه دیگر پول را به او برمی‌گردانم، اما او که عصبانی شده بود شروع به فحاشی کرد و تلفنی مرا تهدید کرد و خواست در پاکدشت با هم قرار بگذاریم.

به گزارش سایت خبری پرسون، مردی با شعله‌های آتش دوست قدیمی‌اش را به قتل رساند. قاتل آتش‌افروز در یک‌قدمی چوبه دار بود که بخشش بزرگ خانواده قربانی‌اش، پاهای لرزان او را جانی دوباره بخشید و به سلول زندان بازگشت.

کشف جسد سوخته

رسیدگی به این پرونده از اردیبهشت‌ماه سال ۹۵ به دنبال پیدا شدن جسد سوخته یک مرد در حاشیه پاکدشت آغاز شد. شواهد نشان می‌داد این مرد عمدی به آتش کشیده شده و به طرز دلخراشی جان سپرده است.

جسد سوخته با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و مأموران پلیس برای رازگشایی جنایت به تکاپو افتادند. تحقیقات پلیسی ادامه داشت و یک شبانه‌روز از کشف جسد سوخته مرد ناشناس نگذشته بود که زنی به نام اشرف به پلیس آگاهی رفت و از ناپدید شدن همسرش خبر داد.

وی گفت: شوهرم احمد چند ماه قبل مبلغی را به یکی از دوستانش به نام نادر قرض داده بود و قرار بود او بعد از چند ماه پول را به شوهرم برگرداند. چند روز قبل شوهرم و نادر با هم قرار ملاقات گذاشتند. شوهرم برای پس گرفتن پولش از خانه بیرون رفت و دیگر بازنگشت. من همه جا را دنبال او گشتم اما خبری از همسرم نیست و می‌ترسم بلایی سرش آمده باشد.

نشانی‌هایی که این زن از همسرش ارائه داده بود با قربانی سوخته مطابقت داشت، به همین خاطر وی با مراجعه به سردخانه پزشکی قانونی جسد همسرش را شناسایی کرد.

نخستین سرنخ

با اطلاعاتی که این زن به پلیس داده بود مأموران به ردیابی گوشی موبایل نادر پرداختند و دریافتند گوشی موبایل وی و قربانی همزمان در حاشیه پاکدشت آنتن‌دهی داشته است.

با افشای این ماجرا نادر ۵۰ ساله ردیابی و بازداشت شد و به جنایت آتشین اعتراف کرد. وی گفت: من و احمد از سال‌ها قبل با هم دوست بودیم و رفت‌وآمد داشتیم. مدتی قبل برایم مشکل مالی پیش آمد و چند میلیون تومان از احمد قرض گرفتم. قرار شد ۶ ماه بعد پول را به او برگردانم. ۴ ماه از این ماجرا گذشته بود که احمد با من تماس گرفت و پولش را خواست. من از برخورد او ناراحت شدم و گفتم ۲ ماه دیگر پول را به او برمی‌گردانم، اما او که عصبانی شده بود شروع به فحاشی کرد و تلفنی مرا تهدید کرد و خواست در پاکدشت با هم قرار بگذاریم.

وی ادامه داد: وقتی سر قرار رفتم او به سمتم حمله کرد، سپس از داخل صندوق عقب خودرواش دبه بنزینی بیرون آورد و گفت مرا آتش می‌زند. فکر می‌کردم می‌خواهد مرا بترساند اما بنزین را روی صورتم پاشید. همان موقع درگیری میان ما بالا گرفت و برای دفاع از خودم ظرف بنزین را از او گرفتم و روی او پاشیدم و ظرف را آن طرف‌تر پرتاب کردم که مقداری از بنزین روی ماشین احمد پاشیده شد. در همان لحظه احمد فندکش را روشن کرد که بخشی از بدن من سوخت و خودش هم آتش گرفت. او خودش را به داخل خودرواش انداخت و ماشینش شعله‌ور شد، من هم از ترس فرار کردم.

به دنبال اظهارات این مرد وی در دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد.